



آسیب‌شناسی تفکر انقلابی‌گری در حوزه

آسیب‌شناسی، به نوعی از مطالعات علمی اطلاق می‌شود که هدف اصلی آن، تکمیل و تأمین فرآیندهای مناسب برای دفع یا رفع آفات و آسیب‌ها می‌باشد. در علوم اجتماعی، با مشابهت‌سازی‌هایی میان کالبد انسانی و کالبد جامعه نیز گرایش مطالعات به نام «آسیب‌شناسی اجتماعی»^۱ جهت مطالعه عوامل و ریشه‌های بی‌نظمی‌ها و بیماری‌های اجتماعی پدید آمده است. نگارنده در نظر دارد براساس همین رویکرد آسیب‌شناسانه و با تأکید بر دیدگاه امام خمینی و آیه‌الله خامنه‌ای، به عنوان بزرگ‌ترین آسیب‌شناسان حوزه انقلابی، آسیب‌های اساسی این نهاد دینی را شناسایی و تبیین نماید. مدعای نوشتار این است که چالش‌هایی را که منجر به دورشدن حوزه از آزاداندیشی دینی، تعصب و تحجر، ناکارآمدی، انسدادهای فکری، فقدان آینده‌نگری و خدشه در وفاداری سیاسی می‌شود، می‌توان به عنوان مهم‌ترین آسیب‌های تفکر سیاسی حوزه انقلابی تلقی کرد.



محسن مهاجرنیا
استادیار پژوهشگاه
فرهنگ و اندیشه اسلامی

مفهوم حوزه انقلابی

به منظور درک صحیح از مفهوم انقلابی بودن، باید آن را از نظر مبدعش بررسی کرد. بر این اساس، جهت تبیین معنای دقیق آن، به کلام مقام معظم رهبری رجوع می‌شود. حوزه انقلابی در کلام ایشان، از حیثیات گوناگون به کار رفته است:

(الف) تعریف به ویژگی‌های احساسی: انقلابی بودن به معنای برخورداری از اوصاف هیجانی و پرتحرک که فی نفسه دارای انرژی، شور و احساس است؛^۲

(ب) تعریف به کنش فعالانه: انقلابی بودن به معنای کنش فعالانه در همه عرصه‌های انقلاب اسلامی است. یعنی هرکجا انقلاب از آن‌ها متوقع بود، حضور داشته باشند؛^۳

(ج) تعریف براساس پای بندی به انقلاب اسلامی: انقلابی بودن یعنی التزام فکری و عملی به مبانی، اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی.^۴ براساس این تعریف، انقلابی کسی است که در هر دو بُعد نظر و اقدام، در میدان انقلاب حضور دارد و اگر کسی از این دو بُعد برخوردار بود، به آن «انقلابی مثبت» گفته می‌شود؛ اما اگر تنها به لحاظ فکری و نظری التزام داشته باشد و در عرصه عمل ملتزم نباشد، «انقلابی منفی» نامیده می‌شود.^۵ بنابراین، با لحاظ این مبنا، انقلابی‌گری امری نسبی است؛

(د) تعریف براساس رویکرد جامع اوصاف و التزامات فکری، اعتقادی و عملی: بر این اساس، حوزه انقلابی عبارت است از: «عادلان، خردمندان، دقیق، دلسوزانه، منصفانه، قاطعانه و بدون رودربایستی عمل کردن».^۶

همه تعریف مختار؛ به طور کلی، وجه جامع بین تعاریف بیان شده آن است که حوزه انقلابی در تراز

انقلاب اسلامی، حوزه‌ای است که با برخورداری از اعتقاد و آگاهی نسبت به مبانی، اصول، آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی، در عرصه اقدام به تناسب شرایط با بیشترین شور، انرژی و روحیه مقاومت، التزام خویش را در تبیین، دفاع و جان‌فشانی در راه انقلاب اسلامی داشته باشد.

آسیب‌شناسی حوزه علمیه

مقصود از «آسیب‌شناسی حوزه» آن است که حوزه علمیه به مثابه یک نهاد دینی و علمی با پیکره‌ای واحد، از سوی عوامل متعدد درونی و بیرونی در معرض آفات، موانع، تهدیدات و مشکلاتی است که با هدف سالم‌سازی، این عوامل شناسایی و زمینه‌های دفع و رفع آن‌ها پیشنهاد می‌شود. این آسیب‌ها ممکن است از سنخ معرفتی و روشی، مانند ناکارآمدی در روش اجتهادی، تحریف، بدعت، غلو، خرافه، عقل‌گرایی افراطی و اخباری‌گری^۷ باشد؛ و ممکن است آسیب‌های روان‌شناختی و یا کارکردی باشد که به عالمان دینی و حوزه‌های علمیه برمی‌گردد. بر این اساس، شناخت آسیب‌ها و آفات، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. لذا بر حوزه‌های علمیه و عالمان دینی فرض است که با اجتهادی پویا در همه زمینه‌های فلسفی، کلامی، فقهی و قرآنی، اسلام را متناسب با نیازهای بشر امروز ارائه نموده و با نگاهی عالمانه، به استقبال سؤال‌ها و شبهات جدید بشتابند.

رسالت این تحقیق، شناسایی مهم‌ترین آسیب‌های سیاسی است که مانع دستیابی به حوزه انقلابی بر مبنای اسلام ناب محمدی ﷺ است. طبیعی است که آسیب‌شناسی هر

پدیده، مسبوق به شناسایی دقیق چپستی آن، قبل از عارض شدن آسیب است.

شاخصه‌های حوزه انقلابی بودن

از منظر آیه‌الله خامنه‌ای، انقلابی بودن، چه به معنای بینش و چه در معنای کنش یا التزام، دارای شاخصه‌هایی است:

۱. شاخصه پای‌بندی به مبانی و ارزش‌های اساسی اسلام و انقلاب؛
۲. هدفگیری آرمان‌های انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آن‌ها؛
۳. شاخصه پای‌بندی به استقلال کشور؛
۴. شاخصه حساسیت در برابر دشمن و نقشه دشمن و عدم تبعیت از آن؛
۵. شاخصه تقوای دینی و سیاسی؛^۱

مجموعه این شاخصه‌ها، نشانگر آن است که انقلابی‌گری، تنها به شعارهای ظاهری و ظهور کنش و واکنش‌های مقطعی و صرف جهت‌گیری‌های آرمانی و موضوع‌گیری شعاری در مقابل دشمن نیست؛ بلکه اتصاف به خصلت انقلابی‌گری، منوط به شناخت صحیح و التزام نظری نسبت به بنیادهای اعتقادی و معرفتی و بینشی و ارزشی اسلام و انقلاب است و وفاداری، پای‌بندی و التزام عملی به آن‌ها می‌باشد تا براساس آن‌ها، جهت‌گیری غایی و آرمانی انقلاب اسلامی، تنظیم و با استفاده از همه ظرفیت‌ها و فرصت‌ها، دستیابی به آرمان‌های متعالی، در نظر گرفته شود. حرکت انقلابی دقیق، مستحکم و مستمر از «مبدأ بینشی» تا «غایات آرمانی»، مستلزم برخورداری از «پای‌بندی» به استقلال کشور، «دشمن‌شناسی» صحیح و «حساسیت» در مقابل دشمنان و «التزام عملی» به تقوای دینی و

سیاسی است.

گونه‌شناسی آسیب‌های سیاسی حوزه

موارد و مصادیقی که برای تحقق «آسیب» بیان می‌شود، همه در یک سطح و رتبه نیستند. برخی از آسیب‌ها ممکن است در برابر «انقلابی‌گری» دارای تأثیر زیاد باشد و برخی از آن‌ها بالعکس تأثیرگذاری جزئی داشته باشد. برخی از آسیب‌ها

ممکن است ماهیت فکری و اندیشگی داشته باشد و برخی به حوزه عمل مربوط باشد. برخی از آسیب‌ها ممکن است سبب تضعیف اهداف و آرمان‌ها باشد و برخی مبانی اعتقادی و فکری را تخریب نماید. از این رو، تلاش شد تا با شناسایی آسیب‌های مهم، نوشتار در پنج عرصه اساسی «تولید اندیشه»، «آینده‌نگری»، «عقلانیت»، «مکانیسم‌های حل تعارض و تزاخم» و «وفاداری به نظام سیاسی» متمرکز شود.

الف) آسیب‌های عدم تولید اندیشه

حقیقت آن است که محوری‌ترین وظیفه حوزه «تولید معرفت دینی» است و جایگاه انقلابی بودن حوزه، پیوند وثیقی با میزان مشارکت حوزه در تولید علم دینی و انسانی دارد. به باور نگارنده، اتصاف حوزه به ویژگی «انقلابی‌گری» در عرصه دانش و اندیشه، زمانی محقق می‌شود که حوزه بتواند با فعال‌سازی دستگاه معرفتی و اجتهادی خویش، در همه عرصه‌های زندگی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حضور فعال داشته باشد و با رصد نیازها و ضرورت‌ها، دانش، اندیشه و نظریه متناسب آن را شناسایی و به‌هنگام، تولید نماید.^۱ به طوری که اگر حوزه نتواند «دانش‌های» متناسب با نیازهای جامعه و ضرورت‌های «نظام اسلامی» و آرمان‌ها و ارزش‌های «انقلاب اسلامی» را

تولید کند، اساسی ترین پایه تفکر «حوزه انقلابی» و «انقلاب اسلامی»، دچار تزلزل می شود.

بنابراین، ضرورت تولید دانش و نظریه پردازی در حوزه، از دو بُعد بیرونی (پاسخ به اقتضائات، تغییرات و نیازهای جامعه اسلامی) و درونی (بهبود کیفیت نظام آموزش، تبیین، تبلیغ و دفاع عالمانه از اسلام) مورد توجه است. با مروری اجمالی به وضعیت موجود، به خوبی می توان داوری کرد که شکاف عمیقی میان عرضه و تقاضای دانش انسانی- اسلامی وجود دارد. دلایل این کاستی ها، به آسیب های ذیل برمی گردد:

۱. فقدان نقشه جامع علمی در حوزه؛
۲. ابهام در جایگاه تولیدی حوزه؛
۳. ضعف شدید در مهندسی علم، مدیریت پژوهش و سامان دهی پژوهشگران؛
۴. گسست میان واقعیات و نیازها با دستگاه تولید اندیشه.

این آسیب ها سبب شده تا حوزه نتواند پایه پای انقلاب اسلامی پاسخ گوی نیازهای معرفتی باشد. از این رو، یکی از آسیب های جدی در ضعف اتصاف به «انقلابی گری» حوزه، ضعف یا ناتوانی در «تولید علوم انسانی - اسلامی» متناسب با شرایط نظام اسلامی و انقلاب اسلامی است.

ب) فقدان مکانیسم های حل تعارضات و تراحمات
مسئله تعارض و تراحم و چگونگی مواجهه با آن در مرحله تفکر و تحقق، به اندازه ای مهم است که می توان این نوع تعارض ها را محل تجلی «عقلانیت اجتماعی» دانست. تعارض

یعنی مضمون نظریه های علمی یا مدلول دو یا چند دلیل لفظی قطعی، با یک دیگر تنافی داشته باشند؛ به طوری که مضمون هر یک، نفی مدلول و مضمون دیگری باشد و عرف در نگاه اولیه، جمع میان آن ها را امکان ناپذیر بداند. برای نمونه، دو نظر در باب سیاسی بودن حوزه وارد شده است که یکی از آن دو می گوید: «حوزه باید سیاسی و انقلابی باشد» و دیگری می گوید: «حوزه نباید به سیاست آلوده شود». مقصود از تراحم، یعنی ناسازگاری و تمنع دو حکم و دو تکلیف در «مقام عمل».^{۱۰}

به طور کلی، یکی از راه های خروج از انسدادها و بن بست ها و نشان دادن روحیه انقلابی و حضور در صحنه زندگی اجتماعی برای حوزه های علمیه، قدرت حل این تعارضات و تراحمات است.^{۱۱} مسئله تعارض و تراحم در همه عرصه های فکری، اخلاقی، فقهی و حقوقی،

به مثابه حقایق و واقعیات زندگی اجتماعی وجود دارد. اهمیت آن زمانی جدی می شود که تعارضات در قلمرو جامعه و سیاست و در پیوند با حکومت باشند. در این موارد، لازمه ترجیح هر طرف، پرداخت هزینه های سنگین در ابعاد ملی و همگانی است. امروزه امثال این تراحمات در جامعه اسلامی و نظام اسلامی، فراروی حوزه های علمیه قرار دارد که موظف به حل آن است و «شاخصه انقلابی گری حوزه» محسوب می شود و ناتوانی در تصمیم گیری انقلابی و به هنگام، آسیب بزرگی برای حوزه انقلابی است. امروزه تصور از حوزه انقلابی آن است که با حضور فعال در همه عرصه های داخلی و خارجی

امروزه تصور از حوزه انقلابی آن است که با حضور فعال در همه عرصه های داخلی و خارجی در مواجیه با تعارض هایی که در قلمرو وظایف اوست، با سکوت و یا انکار تعارض از کنار آن نگذرد، بلکه با درک درست واقعیت تعارض ها و تلاش برای حل آن ها، در صحنه بودن و «انقلابی عمل کردن» خود را نشان بدهد. تشخیص اهم و مهم و ترجیح احکامی که تقدم زمانی دارند، احاله دادن به تشخیص مکلف و دنبال مناظر جحیت گشتن، نیازمند اجتهادی پویا و کارآمد و انقلابی است.

در مواجهه با تعارض‌هایی که در قلمرو وظایف اوست، با سکوت و یا انکار تعارض از کنار آن نگذرد، بلکه با درک درست واقعیت تعارض‌ها و تلاش برای حل آن‌ها، در صحنه بودن و «انقلابی عمل کردن» خود را نشان بدهد. تشخیص مهم و مهم و ترجیح احکامی که تقدم زمانی دارند، احاله دادن به تشخیص مکلف و دنبال مناظر ارجحیت گشتن، نیازمند اجتهادی پویا و کارآمد و انقلابی است.

ج) گرفتاری در دام تحجر و تصلب

با توصیف‌هایی که برای حوزه انقلابی اشاره شد، به نظر می‌رسد انقلابی بودن، تراز منطقی حوزه علمیه است که در طرفین آن، دو خصلت افراط و تفریط، تحجر و انفعال قرار می‌گیرد. این دو از مهم‌ترین آسیب‌هایی هستند

که حوزه علمیه را تهدید می‌کنند. تحجر دینی، اندیشه را به انسداد و انجماد و اندیشمند را به تصلب، تعصب، تنگ‌نظری، قشری‌گری و روش اندیشیدن را به تعصب می‌کشاند و انفعال عالمان دینی، تفکر و متفکر و روش او را به سوی تظاهر، از خودبیگانگی و بی‌هویتی می‌برد. بنابراین، این دو ویژگی در همه ابعاد، حوزه را دچار آسیب می‌کنند.

عقلانیت حوزه انقلابی، نافی هرگونه توقف، تسلف و انفعال و پافشاری غیرعقلانی و تحجر بر یک عقیده یا رفتار است. بستن دریچه ذهن و انسداد فکر و انقباض رفتار در قبال اندیشه‌های دیگر و بی‌اعتنایی به اندیشمندان، مسیری «غیرانقلابی»

●
آسیب واپس‌گرایی: مهم‌ترین آسیب حوزه علمیه در مقابل «آینده‌نگری» آن است که براساس روش تکاملی و خطی تاریخی، همواره خود را بر مدار تجربه‌های گذشته قرار دهد و تحول جهشی از آن را انحراف از مسیر بداند. امام خمینی با تحول بنیادی در بسیاری از روش‌ها و رویکردها، توانست انقلاب اسلامی را به وجود آورد. اگر او بر تجربه پذیرش اجباری و تسالم بر وجود شاهنشاهی در کنار «ولایت فقیه» باقی می‌ماند و همانند نظریه «دولت در دولت» شیخ مفید که شش صد سال مبنای فکر سیاسی در تشیع بود، هرگز موفق نمی‌شد.

تلقی می‌شود به باور نگارنده، حوزه علمیه زمانی می‌تواند وصف انقلابی بودن را به دست آورد که مرز خویش را با تحجر، مقدس‌مآبی، افراط و تفریط و رفتارهای غیرعقلانی مشخص نماید.^{۱۲}

شاخصه‌های تحجر سیاسی
برای تحجر غیرانقلابی، ویژگی‌هایی به شرح ذیل بیان شده است:

۱. مقدس‌مآبی؛^{۱۳}
۲. انعطاف‌ناپذیری و سخت‌گیری؛^{۱۴}
۳. خردستیزی و عقل‌گریزی؛^{۱۵}
۴. عدم ادراک نقش اقتضائات عصری؛^{۱۶}
۵. جزم‌اندیشی؛^{۱۷}
۶. واپس‌گرایی؛^{۱۸}
۷. شخصیت‌زدگی؛^{۱۹}
۸. انتقادناپذیری؛^{۱۹}
۹. ایستادگی در برابر تحول انقلابی.^{۲۰}

د) فقدان آینده‌نگری در

چارچوب منظومه فکر سیاسی

تفکر سیاسی کارآمد و اندیشه‌ورزی خردمندانه، همواره در زمان رخ می‌دهد و متناسب با زمان به پیش می‌رود و ظرفیت آینده‌نگری و دوراندیشی را در درون خویش می‌پروراند. براساس تجربه گذشته حوزه علمیه و وضعیت موجود آن، در مورد آینده هیچ چشم‌انداز قطعی و یقینی وجود ندارد و اصولاً آینده، قرین به عدم قطعیت است. حوزه علمیه امروز باید با شناسایی روندهای در حال ظهور و مسائل بالقوه و شناسایی نتایج احتمالی حاصل از وقوع این روندها، به تدوین سناریوها و گزینه‌های احتمالی درباره فرضیه‌های مختلف آینده اقدام نماید. برای نیل به این مهم، هیچ گزینه‌ای برای

حوزه علمیه جز تمرکز بر «آینده‌پژوهی» وجود ندارد و باید تمام بخش‌های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و تعاملات درونی و بیرونی خود را بر تراز این رویکرد قرار دهد. ضرورت آینده‌نگری و برنامه‌ریزی حوزه در قبال تحولات ناخواسته، حوزه را در جایگاه «انقلابی» قرار می‌دهد. در ادامه به سه آسیب موجود اشاره می‌شود:

۱. واپس‌گرایی: مهم‌ترین آسیب حوزه علمیه در مقابل «آینده‌نگری» آن است که بر اساس روش تکاملی و خطی تاریخی، همواره خود را بر مدار تجربه‌های گذشته قرار دهد و تحول جهشی از آن را انحراف از مسیر بداند. امام‌خیمینی با تحول بنیادی در بسیاری از روش‌ها و رویکردها، توانست انقلاب اسلامی را به وجود آورد. اگر او بر تجربه پذیرش اجباری و تسالم بر وجود شاهنشاهی در کنار «ولایت فقیه» باقی می‌ماند و همانند نظریه «دولت در دولت» شیخ مفید که شش صد سال مبنای فکر سیاسی در تشیع بود، هرگز موفق نمی‌شد. یا اگر امام‌خیمینی مبنای «دولت تلفیقی» فقیه سلطان عادل اذنی محقق کرکی که دوپست سال جایگزین الگوی شیخ مفید

شد و «دولت تلفیقی» فقیه سلطان مشروط علامه نائینی را می‌پذیرفت، به طور قطع امروز شوکت انقلابی مکتب اهل البیت علیهم‌السلام در دنیا طنین‌انداز نبود. اما زمانی به طراحی آینده و عبور از تجربه‌های تلخ گذشته اقدام نمود که فرمود: «اصل نظام شاهنشاهی از اول نظام باطل و غلطی بوده است.»^{۲۱}

۲. منفعت‌گرایانه: وجود این تفکر در حوزه علمیه که برخی تصور می‌کنند، سنت ارزشمند سیره سلف صالح را نباید فدای آینده‌ای کرد که

عدم قطعیت، خصیصه ذاتی آن است. همین امر سبب شده است تا برای همان‌ها، عدم تدبیر و دوراندیشی و آینده‌نگری توجیه شود و فرصت‌های گران‌بها را از دست بدهند. متأسفانه حاکمیت این تفکر در حوزه، سبب خسارت‌های زیادی شده است و ناکارآمدی حوزه در برابر تحولات دنیای متغیّر امروزی، متأثر از این اندیشه است.

۳. واکنش انفعالی: روشن است که عدم اشراف به تحولات آینده و فقدان برنامه‌ریزی برای آینده‌های محتمل، حوزه را در جایگاه انفعالی قرار می‌دهد.

ه) ناتوانی در اتصال حلقه وفاداری بین نظام اصلی و نیایی

یکی از ابعاد تفکر انقلابی حوزه، وفاداری نسبت به هویت اعتقادی، تعلق به بنیادهای معرفتی، تعهد نسبت به اصول، التزام به ارزش‌های برخاسته از حوزه است. چنین علقه‌هایی در حوزه سبب بالندگی، پویایی و پایایی آن شده است. حاکمیت چنین رویکردی بر حوزه علمیه در طول تاریخ، موجب شده است تا مجموعه‌ای به هم پیوسته، منسجم و مکمل شکل بگیرد. انسجام درونی

حوزه، برای این نهاد شرایطی را به وجود آورده است تا برخلاف بسیاری از نهادهای مشابه، نوعی وفاداری نهادی در درون خویش به سامان برساند که نتیجه آن، پیروزی انقلاب اسلامی بود. ویژگی‌های برجسته نهادی در حوزه به شرح ذیل است:

۱. عنصر معنویت، اخلاص و قرب الهی، خمیرمایه هویت سازمانی در حوزه است و افراد حوزوی دارای انگیزه الهی و اهداف متعالی هستند؛

۲. هر طلبه و فاضل

آسیب منفعت‌گرایانه: وجود این تفکر در حوزه علمیه که برخی تصور می‌کنند، سنت ارزشمند سیره سلف صالح را نباید فدای آینده‌ای کرد که عدم قطعیت، خصیصه ذاتی آن است. همین امر سبب شده است تا برای همان‌ها، عدم تدبیر و دوراندیشی و آینده‌نگری توجیه شود و فرصت‌های گران‌بها را از دست بدهند.

حوزوی با کلیت سازمان حوزه سازگار بوده و احساس هویت صنفی و سازمانی دارد و وفاداری صنفی، سبب فداکاری و تلاش مضاعف و زمینه بروز خلاقیت‌های داخلی شده است؛

۳. در حوزه، افراد متناسب با علاقه، استعداد و مهارت‌های خود خدمت می‌کنند که نتیجه آن، نشاط و تلاش خستگی‌ناپذیری است. نشاط سازمانی، سبب شده است تا اعضای حوزه از غیبت، تأخیر و ترک تعلق خویش به حوزه پرهیز کنند؛

۴. هر فرد به لحاظ شئون اجتماعی، دارای شخصیت قابل احترامی است و یکی از بالاترین عواملی که می‌تواند حس اعتماد به نفس را در فرد برانگیزد، کاری است که انسان با انجام آن احساس رضایت، احترام و مفیدبودن می‌کند؛

۵. شوق پیشرفت و ارتقای علمی و داشتن غنای معنوی، تصویر خوشایندی از کار و سازمان حوزوی برای طلبه به وجود می‌آورد. نظام حوزه هم به این ذهنیت کمک می‌کند؛

۶. احساس هم‌دلی، هم‌افقی و همراهی همه حوزویان، اعم از مراجع، اساتید و طلاب، سبب تقویت انسجام درونی و حرکت پرشتاب از وضع موجود به سمت وضع مطلوب است و همگان تلاش می‌کنند تا به ارتقای کمی و کیفی حوزه کمک کنند؛

۷. نظارت درونی و غیرتحکم‌آمیز، فضای فرهنگی و معنوی در حوزه به وجود آورده است تا افراد و ساختارها با رضایت کامل به اصلاح خویش اقدام کنند؛

۸. تصمیم‌گیری‌های باز و رضایت‌بدنه حوزویان به نظریات بزرگان حوزه در امور و

سرنوشت مشترک حوزوی، احساس تعلق و رضایت را در حوزه افزایش داده است تا همه روحانیون، تغییرات سازمانی و نهادی را بپذیرند.

این‌ها برخی از خصایص نهادی و سازمانی است که در عقلانیت نهادی حوزه علمیه وجود دارد و حوزویان را نسبت به سازمان خویش وفادار نگاه داشته است. در جریان انقلاب اسلامی، شاکله مستحکم حوزه، پشت سر رهبرانقلاب اسلامی قرار گرفت و سبب پیروزی گردید؛ اما به تدریج این عقلانیت دچار آسیب شده است، به گونه‌ای که امروز در «نوع وفاداری» حوزه، ابهاماتی به شرح ذیل مشاهده می‌شود.^{۲۲}

وفاداری به حوزه، مستقل از وفاداری به نظام سیاسی ناکارآمدی‌هایی که در سیستم اجرایی نظام در دستیابی به اهداف انقلاب اسلامی ظهور کرد، سبب شد تا برخی از حوزویان به این سمت گرایش پیدا کنند که حوزه نباید سرنوشت خود را به سیاست‌گره‌بزند و همین امر سبب شده است تا به اعتقاد برخی از بزرگان حوزوی، روحیه انقلابی حوزه کم‌رنگ شود که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. وفاداری به نظام ولایت سیاسی معصوم (علیه السلام)، مستقل از وفاداری به نظام نیایی ولایت فقیه: اختلاف‌هایی که در دیدگاه‌های فقهی وجود دارد، برخی از منظرهای حوزوی به این نتیجه رسیده‌اند که وفاداری آن‌ها معطوف به ولایت معصوم است و از تعلق و تعهد و التزام به نظام نیایی، بعضاً دچار ابهام هستند. این امر موجب شده است تا هویت انقلابی این دسته از حوزویان مورد سؤال قرار گیرد؛

۲. وفاداری به اصل نظام یا به شخص ولی فقیه: در

وفاداری به ولی فقیه یا به نوع و ساختار رژیم (ساختارهای مردم‌سالارانه): فراز و فرود تحولات سیاسی، رویکردی را به وجود آورده است که برخی از صاحب‌نظران دچار دوگانگی وفاداری شده‌اند. به طوری که گاهی نسبت به شخص ولی فقیه اظهار ارادت دارند؛ اما نسبت به نهادهای اجرایی، تقنینی و یا قضایی این سیستم، احساس تعلق نمی‌کنند و بلکه منتقد جدی آن هستند.

میان حوزویان این نگرش شکل گرفته است که میان وفاداری به اصل نظام اسلامی با وفاداری به شخص حاکم اسلامی تمایز دیده شود؛

۳. وفاداری به ولی فقیه یا به نوع و ساختار رژیم (ساختارهای مردم‌سالارانه): فراز و فرود تحولات سیاسی، رویکردی را به وجود آورده است که برخی از صاحب‌نظران دچار دوگانگی وفاداری شده‌اند. به طوری که گاهی نسبت به شخص ولی فقیه اظهار ارادت دارند؛ اما نسبت به نهادهای اجرایی، تقنینی و یا قضایی این سیستم، احساس تعلق نمی‌کنند و بلکه منتقد جدی آن هستند. در مقابل، جمعی هم تمایل به دولت (اصول‌گرا، اصلاح‌طلب یا معتدل) هم‌سوی با رویکرد سیاسی خود دارند، ولی حمایت قاطع از اصل نظام یا از ولی فقیه نشان نمی‌دهند.

خاتمه

حوزه علمیه به عنوان قدیمی‌ترین نهاد علمی و فرهنگی، بزرگ‌ترین پایگاه مکتب اهل‌البیت علیهم‌السلام بوده است. نقش انقلابی‌گری در تحولات معاصر از مشروطه تا انقلاب اسلامی، جایگاه ویژه‌ای برای این حوزه ترسیم کرده است. پیوند حوزه با پیروزی انقلاب اسلامی، سرنوشت مشترکی برای این دو به وجود آورده است. به‌گونه‌ای که چالش‌ها و آسیب‌های سیاسی هرکدام، به پای دیگری هم نوشته می‌شود. جایگاه نوین برای حوزه علمیه، یک هویت و «عقلانیت انقلابی» به وجود آورده است که هرگونه آسیب در آن، سبب جدایی حوزه از نظام اسلامی و روحیه انقلابی می‌شود. فعال بودن دستگاه اجتهادی و تولیدی اندیشه سیاسی، توانایی حل تعارضات درونی و تزاوجات خارجی، مدیریت حل بحران‌ها و عبور از گسل‌ها و گسست‌ها، تحکیم وفاداری‌ها و التزامات فکری و اعتقادی، آینده‌نگری در چارچوب منظومه فلسفه سیاسی اسلام و آزاداندیشی و رهایی از تعصب و تحجر و تصلب و قشری‌گری و واپس‌گرایی و همانند

این‌ها، ویژگی‌های عقلانیت حوزه انقلابی است که سبب پویایی و پایایی آن در عرصه حیات سیاسی می‌گردد و مهم‌ترین آسیب‌های حوزه انقلابی هم خدشه در شاخصه‌های یاد شده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. social pathology.
۲. شریفی، اکبر، منشور انقلابی‌گری در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۶.
۳. در دیدار با جمعی از اصناف، ۱۳۶۸/۴/۲۳.
۴. بیانات در مراسم سالگرد امام خمینی، ۱۳۹۵/۳/۱۴.
۵. بیانات در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹.
۶. بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۳۹۵/۴/۹.
۷. دژکام، علی، همان، ص ۵.
۸. بیانات در مراسم سالگرد امام خمینی، ۱۳۹۵/۳/۱۴.
۹. علی‌پور وحید، حسن، حوزه انقلابی و چالش اسلام رحمانی، ص ۱۳۲، انتشارات ارمغان کوثر، ۱۳۹۶.
۱۰. مهاجرنیا، محسن، آسیب‌شناسی جریان اصول‌گرایی، ص ۲۴۲، انتشارات نورمطاف، قم، ۱۳۹۶.
۱۱. فرامرزی قراملکی، احد، اخلاق حرفه‌ای، ص ۲۹۵، انتشارات مجنون، ۱۳۸۳.
۱۲. مهاجرنیا، محسن، همان، ص ۳۴۷.
۱۳. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۰.
۱۴. همان، ج ۴، ص ۷۲.
۱۵. همان، ج ۲۱، ص ۲۸۰.
۱۶. همان.
۱۷. بیانات در دیدار با مسئولان و دست‌اندرکاران مراسم سال‌گرد ارتحال امام خمینی، ۱۳۸۶/۳/۵.
۱۸. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۰.
۱۹. بیانات در دیدار جمعی از اساتید و فضلا و طلاب نخبه حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۸/۲.
۲۰. بیانات در دیدار جمعی از اساتید و فضلا و مبلغان و پژوهشگران حوزه‌های علمیه کشور، ۱۳۸۶/۹/۸.
۲۱. صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۹۰.
۲۲. مهاجرنیا، محسن، همان، ص ۱۸۹.